

حکمت الهی قتل کودکان



حجت الاسلام دکتر حمید پارسا نیا

در فصل موسوی کتاب «فصوص الحكم»، ابن‌عربی در مورد حکمت قتل کودکان توسط فرعون و نسبت آن با جامعه بنی اسرائیل بحث می‌کند. همانطور که می‌دانیم فرعون با خبر می‌شود که فرزندی خواهد آمد که قدرت او را متزلزل می‌کند. او هم برای جلوگیری از به دنیا آمدن موسی (ع)، فرزندان بنی اسرائیل را قتل‌عام می‌کند. اینجا سوالی که به وجود می‌آید این است که اگر عالم صحن حکمت الهی است آیا این حادثه و قتل کودکان از باب تصادف است؟ زمانی هست که ما در سطح خرد مساله را نگاه می‌کنیم و فقط اراده، قدرت و اقتدار فرعون و ظلمی که انجام می‌دهد را ملاحظه می‌کنیم اما اگر در عالم همه جنود و کارگزار الهی هستند و از یک منظر الهی به مساله نگاه کنیم خود این امر هم در طرح حکیمانه الهی و نظام احسن نقشی ایفا نمی‌کند؟

ابن‌عربی در این فصل و در توضیح این مطلب - به تعبیر بندۀ - بیان می‌کند که این «اخذ عزیز مقتصد» است که با دست خود فرعون دارد او را به نابودی می‌کشد و با همان ظلمی که دارد انجام می‌دهد، امت موسی (ع) در حال شکل گیری است. چون این کودکان که به تعبیری «حدیث العهد بالرّب» هستند و به

واسطه حدیث العهد بودن به پروردگار و قربی که به خداوند دارند، پدر، مادر و بزرگان را به تسخیر خود در می‌آورند و جامعه را به خدمت خود می‌گیرند. ضرورت این به خدمت درآوردن این است که علّه‌وی در کار باشد و این علّه‌و را کودکان به خاطر نزدیکی به خداوند دارند و همین موضوع باعث می‌شود که در دیگران اثر بگذارند و آنها را به تسخیر خود درآورند.

اگر کسی پدر و مادر را از خواب بیدار کند، خودشان ناراحت می‌شوند و تحملش را ندارند اما تا از فرزند سرفه‌ای سر می‌زنند یا نا آرام می‌شود با همه وجود از خواب بر می‌خیزند و در خدمت کودک قرار می‌گیرند. این در واقع منزلتی است که خداوند به کودک داده است که اینگونه می‌تواند مادر و پیرامون را تسخیر کند.

کودکانی که حدیث العهد هستند وقتی که به مقتل برده می‌شوند نفس دارند و از بین نمی‌روند. ظلمی که به این‌ها می‌شود و انتقام و قصاصی که نسبت به این خون می‌شود باعث انباشت می‌شود. این کودکان با روحانیتی که دارند در یک حقیقت روحانی برتر اجتماع پیدا می‌کنند که همان تشکیل امت موسی است. همین مساله در سنت الهی عمل می‌کند و در نهایت فرعون را از بین می‌برد.

امروز حوادثی که در غزه رخ می‌دهد و قتل عام کودکان بی‌گناه رخ می‌دهد کافی است که سنت الهی عمل کند و دست انتقام الهی با متن همین ظلم دارد قدرت و قوت می‌گیرد تا گریبان ظالم با آن گرفته شود. کسانی که به قتل می‌رسند کلمه توحید را بر زبان می‌آورند و ربّ خود را فرا می‌خوانند. فقط این کودکان نیستند که به مقتل برده می‌شوند و سنت خدا با آنها عمل می‌کند. این مقاومت و استقامت و توجه و عنایتی که به خداوند دارند و این ظلمی که به حیثیت الهی اینها می‌شود، مسبب تکوین امت اسلامی است که در حال رخ دادن است.

گاهی حوادث را در طرف مسائل طبیعی و دنیوی می‌بینیم و قواعد و سنن را در این افق در نظر می‌گیریم اما نظام عالم یک نظامی است که روابط دنیوی ظاهر اوست و ارتباطات وجودی در سطح عمیق‌تری شکل می‌گیرد و هویت امت و جامعه فقط در این روابط نیست بلکه در سطح معانی و حقایقی است که وجود دارد. بنابراین اگر مرگی اینجا وجود دارد فقط در نسبت این بدن هست و حقیقت اینها از بین نمی‌رود: «و لا تحسِّنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ إِيمَانِهِمْ أَمْوَاتٍ بَلْ أَحْياءً عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ.» ارتباط وجودی انسان‌ها در حوزه معنایی و روحانی آن‌هاست پس قاعده‌تاً این ارواح حاضر هستند و وجود دارند و خود بخشی از سنت الهی است که به دست خود ظالم عمل می‌کند تا ان‌شا‌اً انتقام مظلوم گرفته شود.